

واکاوی مبانی قرآنی نظر امام خمینی درباره غده سرطانی بودن اسرائیل

محمد ابراهیم نیای ترشیزی^۱

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد

عباس اسماعیلی زاده^۲

دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)

محمدعلی رضائی کرمانی نسب پور^۳

دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۰۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۱۱

چکیده

دیدگاه مشهور امام خمینی، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، در تشبیه اسرائیل به غده سرطانی و پیگیری آن به عنوان سیاست ثابت نظام از آغاز پیروزی انقلاب تاکنون، همواره چالش برانگیز بوده و اشکالاتی را در عرصه بین الملل و شبهاتی را در داخل کشور به همراه داشته است. با توجه به تحولات شکل گرفته، امروزه در عرصه روابط بین الملل درباره تعامل با رژیم صهیونیستی و به ویژه از سوی برخی کشورهای عمده اسلامی، ضرورت واکاوی مبانی این موضوع را از منظر قرآن بیشتر نشان می دهد. بررسی آیات قرآن درباره بنی اسرائیل و به ویژه یهود، بیانگر این مسئله مهم است که قرآن در سه زمینه ۱. کیفیت، ۲. ماهیت و ۳. جوامع و سرزمین های در معرض خطر، درباره فسادانگیزی قوم یهود به تفصیل سخن گفته است. در بُعد کیفیت ویژگی هایی چون تلاش حریصانه، سریع و بی وقفه در گسترش فساد، فسادگستری از موضع حق به جانب و با برنامه ریزی دقیق و حساب شده و برخی موارد دیگر را برمی شمارد. در زمینه دوم فساد اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و نظامی آنان را خاطر نشان می سازد و در محور سوم نه تنها مسلمانان و کشورهای اسلامی بلکه همه اقوام و سرزمین ها را در معرض خطر یهود معرفی می کند. سه زمینه یادشده به طور کامل بر ویژگی های غده سرطانی از منظر طب منطبق است و این یعنی از یک سو فرمایش امام خمینی یک شعار سیاسی صرف یا یک موضع گیری متعصبانه نبوده و از سوی دیگر، سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال رژیم صهیونیستی یک سیاست اصولی مستظهر به آیات قرآن و منطبق بر جهان بینی صحیح اسلامی است. این اثر براساس شیوه کتابخانه ای، مبتنی بر توصیف و تحلیل داده ها و متون، با رویکرد برداشت امروزی و کاربردی از آیات و روایات نگاشته شده و از آن جهت که بعد از گردآوری و بررسی نظرات مختلف، پراکنده و در برخی موارد متعارض مفسران، نسبت به تحلیل آیات مرتبط با بنی اسرائیل و ارائه برداشت دقیق و علمی تر از آیات اقدام کرده و سپس به تبیین میزان ارتباط آن با تعبیر امام خمینی پرداخته است، دارای نوآوری می باشد. سایر آثار تولیدشده در این موضوع به طور عمده دارای محتوای خطایی و شعارگونه بوده و در این آثار نگاه به روز و عالمانه ای، به ویژه به صورت همزمان، نسبت به اسرائیل از منظر قرآن و کشف ارتباط مواضع دشمن ستیزانه امام خمینی با قرآن و روایات دیده نمی شود.

واژه های کلیدی: امام خمینی، اسرائیل، غده سرطانی، مبانی قرآنی.

1. serat1359@hotmail.com

2. esmaelizadeh@um.ac.ir

3. Rezai@um.ac.ir



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیت دراست العالم الاسلامی
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش های بنیانی جهان اسلام

سؤال پژوهشی

. تعبیر چالش برانگیزی که امام خمینی درباره رژیم صهیونیستی به کار برده و آن را «غده سرطانی» نامیده‌اند، تا چه اندازه با معیارهای شرعی، به ویژه توصیفی که قرآن کریم از یهود و بنی اسرائیل ارائه فرموده، قابل دفاع است؟

۲. امام خمینی تا چه اندازه در مواضع خود، مرز میان یهودیان صهیونیست را از یهودیان میانه‌رو تفکیک کرده و در این باره تا چه میزان براساس قرآن عمل کرده‌اند؟

فرضیه

۱. تعبیر امام خمینی از اسرائیل، با توجه به ویژگی‌های غده سرطانی در علم پزشکی، با خصوصیات که قرآن کریم از یهودیان و بنی اسرائیل برشمرده است، کاملاً منطبق است.
۲. امام خمینی نسبت به یهودیان غیر صهیونیست که قرآن از آنها به «میانه‌رو» تعبیر کرده است، احترام ویژه‌ای قائل بوده‌اند.



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام
جمعیت ترانس آلم اسلام

بیان مسئله

مواضع امام خمینی در زمینه دشمن‌ستیزی از جمله موضوعات چالش برانگیز در حوزه سیاست خارجی ایران است. یکی از عبارات مورد تأکید امام خمینی، تشبیه رژیم صهیونیستی اسرائیل به غده سرطانی است: «امروز قبله اول مسلمین به دست اسرائیل، این غده سرطانی خاورمیانه افتاده است» (صحیفه امام خمینی، ۱۳۸۹: ج ۱۰/۱۵۹). «من از سال‌های طولانی راجع به اسرائیل و راجع به جنایات او همیشه در خطبه‌ها، در نوشته‌ها، گوشزد کرده‌ام به مسلمین که این یک غده سرطانی است در یک گوشه ممالک اسلامی» (همان: ج ۱۲/۳۱۷) و بر قیام همگان برای از بین بردن این غده سرطانی اصرار داشتند: «اکنون نیز تکرار می‌کنیم که تا ملت‌های اسلام و مستضعفان جهان بر ضد مستکبران جهانی و بچه‌های آنان خصوصاً اسرائیل غاصب قیام نکنند، دست جنایتکار آنان از کشورهای اسلامی کوتاه نخواهد شد و این غده سرطانی از بیت المقدس و لبنان اخراج نخواهد گردید» (همان: ج ۱۵/۲۳۹)¹.

۱. موارد دیگر را بنگرید به: (همان: ج ۱۶/۳۶ و ۳۲۸: ج ۲۰/۳۱۹).

همان‌طور که همگی اطلاع داریم ادامه‌ی این نگرش، که در تاریخ ایران دارای اصالتی کهن بوده و نگاهی قدسی به سیاست خارجی دارد (شکوهی، ۱۳۹۳: ۵۴)، تا به امروز موجب ایجاد تنش‌های بسیاری برای کشور در عرصه‌ی جهانی شده است. به ویژه آنکه این رژیم را سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۷م. به عنوان یک کشور قانونی به رسمیت شناخته است (United Nations General Assembly, 1947, resolution 181). همین امر موجب شده است که اقدامات جمهوری اسلامی در مخالفت و معارضة با رژیم غاصب صهیونیستی، به ویژه آن زمان که از زبان مقامات رسمی کشور بیان شده است، به عنوان تلاش برای محو یک کشور قانونی و در تضاد با منشور سازمان ملل قلمداد شود.

ادامه این چالش‌ها در عرصه‌ی بین‌الملل به گونه‌ای است که حتی کسانی که در داخل به مخالفت با این دیدگاه پرداخته و به تصریح یا به تلویح این دیدگاه را به نقد کشیده‌اند، معتقدند که این امر به انزوای ایران در عرصه‌ی بین‌الملل انجامیده است. چنان که بعضی صاحب‌نظران مسائل سیاسی و صاحبان کرسی تدریس در دانشگاه‌ها در مناظرات مختلفی تعبیر کنایی «چه کسی مسئله نابودی اسرائیل را به ما داده است» را به کار برده‌اند (زیباکلام، ۱۳۹۴: <https://www.parsine.com/fa/news>) و حتی این‌گونه تصریح کرده‌اند: «من کشور اسرائیل را به رسمیت می‌شناسم چراکه سازمان ملل آن را به رسمیت شناخته است» (همان، ۱۳۹۲: <http://farhangemrooz.com/news>).

بحث درباره‌ی این موضوع امروزه از اهمیت بیشتری برخوردار شده است. بیشتر کشورهای اسلامی و به ویژه آنان که داعیه رهبری جهان اسلام را دارند، با این مسئله کنار آمده و در نهان و آشکار مشروعیت این رژیم را پذیرفته‌اند و حتی به تازگی رئیس‌جمهور جدید آمریکا طرح «معامله قرن» را برای صلح میان اسرائیل و فلسطینیان با همراهی کشورهای عمده اسلامی عرب پیش کشیده است.

دنباله‌روی این‌گونه افکار، که به دلیل تسلط ویژه ایران بر منابع اقتصادی منطقه، هزینه‌های بسیاری را برای این کشور دربر داشته است (بابایی، ۱۳۹۱: ۱۵۴)، به سنجش دقیق با معیارهای شرعی نیاز دارد. به ویژه آنکه از یک سو ممکن است تصور شود که این دیدگاه حضرت امام مخصوص دوران خود ایشان بوده است و با توجه به تغییرات و تحولات داخلی و خارجی صورت گرفته و از بعد از امام تاکنون، ضرورتی بر ادامه این سیاست نیست. قابل

توجه است که در پی صدور تفکر ضدصهیونیستی امام خمینی در میان مردم مسلمان منطقه و گسترش بیداری اسلامی، به ویژه در کشورهای هم‌مرز با فلسطین اشغالی (موسوی، ۱۳۹۱: ۸۷)، سردمداران رژیم اشغال‌گر صهیونیستی به تلاش‌های خود برای به چالش کشیدن این دیدگاه افزوده‌اند و از جمله با تقویت توان ورزشکاران خود و توسعه حضورشان در میادین مختلف ورزشی سعی دارند با رویارو ساختن آنها با ورزشکاران ایرانی هزینه‌های این سیاست را برای ایران بالاتر ببرند. از سوی دیگر، همراهی نکردن کشورهای عمده اسلامی با این تفکر و اقدام به برقراری ارتباط با دولت صهیونیستی این شبهه را ایجاد می‌کند که این دیدگاه از پشتوانه منابع اصیل اسلامی به ویژه قرآن برخوردار نیست.

به هر روی ضرورت دارد که با واکاوی مبانی قرآنی این دیدگاه، میزان اعتبار نظرگاه امام خمینی درباره ماهیت سرطانی اسرائیل را بسنجیم تا در صورت اثبات آن حاصل شود که اولاً سیاست جمهوری اسلامی ایران چه در زمان حضرت امام و چه در دوران رهبری مقام معظم رهبری - مدّ ظله - یک سیاست اصولی مستظهر به آیات قرآن و منطبق بر جهان‌بینی صحیح اسلامی است و ثانیاً همراهی نکردن دیگر کشورهای اسلامی با این دیدگاه نقص و کاستی خود آنهاست و برقراری ارتباط با رژیم صهیونیستی هیچ‌گاه نمی‌تواند کاری درست و مورد تأیید قرآن باشد.

برای دستیابی به این اهداف مباحث قرآنی پیش‌رو در سه محور ارائه خواهند شد که هر سه بر ویژگی‌های غده سرطانی در علم طب منطبق هستند؛ زیرا از دیدگاه علم پزشکی سرطان عبارت است از رشد غیرعادی سلول‌ها در نتیجه تغییرات ژنتیکی، که به از بین رفتن تعادل موجود در سلول‌ها و در نهایت افزایش غیرعادی جمعیت سلول‌هایی منجر می‌شود که می‌توانند به بافت‌های دیگر حمله کرده و آسیب برسانند. در نتیجه این فرآیند بدن دچار عوارض جانبی نیز شده و در صورت درمان نکردن، موجب مرگ میزبان می‌شود (Alison, 2001: 10-11, Frei, 2000: 1).

یادآوری این نکته ضروری است که نویسندگان این مقاله با در نظر گرفتن نگاه امام خمینی به یهودیان میانه‌رو که از آیات قرآن سرچشمه گرفته است، برای این گروه از یهودیان، به ویژه هموطنان کلیمی، احترام خاصی قائل هستند.

تبیین تفاوت میان یهودیان میان‌هرو با یهودیان صهیونیست

امام خمینی، طرفداران رژیم صهیونیستی را جزء یهودیان به شمار نیاورده و حساب آنها را از یهودیان جدا می‌دانستند: «ما حساب جامعه یهود را از حساب «صهیونیزم» و صهیونیست‌ها جدا می‌دانیم. آنها جزء اهل مذهب اصلاً نیستند... آنها یهودی نیستند. آنها یک مردم سیاسی هستند که به اسم یهودی یک کارهایی را می‌کنند و یهودی‌ها هم از آنها متنفر هستند و همه انسان‌ها از آنها باید متنفر باشند» (صحیفه امام خمینی، ۱۳۸۹: ج ۲۸۹/۷).

ایشان ضمن تأکید بر قطع هرگونه رابطه با اسرائیل، آزادی را حق ایرانیان یهودی دانسته‌اند: «هرگونه روابط با اسرائیل قطع خواهد شد، اما یهودیان آزاد خواهند بود که در ایران بمانند و در محیط آزادتر از دوران سلطنت شاه زندگی کنند؛ چرا که اسلام به همه مذاهب احترام می‌گذارد» (همان: ج ۴۴۷/۵) و از هرگونه تعرض به آنها و مسیحیان و پیروان مذاهب رسمی نهی فرمودند: «به این یهودی‌ها که در ایران هستند، کسی حق ندارد تعرض بکند، اینها در پناه اسلام و مسلمین هستند، نه به یهودی‌ها و نه به نصارا، اینهایی که مذهب رسمی دارند». تأکید ایشان موجب شد تا در دهه‌های پس از انقلاب، نه تنها یهودیان، بلکه سایر اقلیت‌های مذهبی نیز از حقوق مساوی با سایر ایرانیان برخوردار باشند. (زارعی، ۱۳۹۲: ۴۹)

البته به نظر می‌رسد در برخی مواقع امام خمینی، اسرائیلی‌ها را مصداق یهودی دانسته‌اند: «این عرفات^۱ الان می‌خواهد یهودیان را به آنجا^۲ مسلط کند... باید مردم دست به دست هم بدهند و عرفات را از جمع خودشان خارج کنند، تا خودشان بتوانند کاری را انجام بدهند و تا آن وقتی که یک نفر یهودی در آنجا هست باید بایستند و کار را تمام کنند همانطور که ما کردیم و با ایستادگی کار تمام می‌شود. بدانید این معنی را، الان به دست و پا افتاده‌اند اسرائیلی‌ها. الان دارند عرفات را ترویج می‌کنند، برای اینکه قائل به این است که یهود هم باشد ما هم باشیم. در صورتی که یهود نباید آنجا باشد؛ هیچوقت» (صحیفه امام خمینی، ۱۳۸۹: ج ۱۹۲/۲۱).

آیه «وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُقْتَصِدَةٌ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ» (مائده/۶۶)، بیشتر اهل کتاب را پیروان باطل دانسته (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۳۷/۶)، اما عده کمی از آنان را میانه رو می‌داند (طوسی،

۱. یاسر عرفات رئیس سابق تشکیلات خودگردان فلسطین

۲. فلسطین



ج ۵۸۶/۳). از آنجا که ظاهر آیه مذکور، اعم از یهودیان و مسیحیان است (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج ۳۴۱/۳)، اینگونه برداشت می‌شود که عدّه کمی از پیروان آیین یهود، میانه‌رو هستند. گرچه برخی بر این نظرند که مراد از عبارت «مقتصده»، آن دسته از اهل کتاب هستند که اسلام آورده‌اند (طبری، ۱۴۱۹ق: ج ۱۹۸/۶)، اما نمی‌توان در این آیه قرینه‌ای یافت که این واژه را از معنای اصلی آن - که همان «میانه‌روی در عمل، نه ستمگری و نه انجام خیر» هست (مصطفوی، ۱۳۶۸ش: ج ۲۹۷/۹) - خارج کرده و به معنای «اسلام آوردن» درآورد. از اینرو، نظر مفسرانی که این عبارت را اشاره به یهودیان و مسیحیانی می‌دانند که ضمن باقی ماندن بر آیین خود، از ظلم و تندروی اجتناب می‌کنند (الثعالبی، ۱۴۱۶ق: ج ۴۰۲/۲)، صحیح‌تر است. آیه «وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنُهُ بِقِنطَارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ وَ مِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنُهُ بِدِينَارٍ لَا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَائِمًا...» (آل عمران/۷۵) که درباره یهودیان نازل شده است (ثعلبی، ۱۴۲۲ق: ج ۹۴/۳)، نیز به همین گروه میانه‌رو اشاره فرموده، اما از ایمان آوردن ایشان یادی نکرده است. بنابراین، یهودی بودن با امانداری و میانه‌روی قابل جمع است، هرچند اکثر پیروان این آیین به استناد آیه «قُلْ يَأْهْلَ الْكِتَابِ هَلْ تَتَّقُونَ مِنَّا إِلَّا أَنْ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَ مَا أُنْزِلَ مِن قَبْلُ وَ أَنَّ أَكْثَرَكُمْ فَاسِقُونَ» (مائده/۵۹)، در زمره فاسقانند (آلوسی، ۱۴۱۵ق: ج ۳۴۰/۳). همچنین آیه «وَ مِنْ قَوْمٍ مُّوسَىٰ أُمَمٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَْعْدِلُونَ» (اعراف/۱۵۹)، تأیید می‌فرماید که گروهی از یهود، سعی در عدالت‌ورزی و هدایت مردم دارند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۲۸۴/۸). وجود یهودیانی که امروزه با سیاست‌ها و جنایات رژیم صهیونیستی به مخالفت جدی برخاسته و پرچم این رژیم را در انظار عمومی به آتش می‌کشند، اما در عین حال به دین اسلام نگرویده‌اند، مؤید نظر برگزیده درباره مصداق آیات مورد اشاره است.

وجود یهودیان میانه‌رو موجب نشده است تا قرآن، از لفظ «یهود» برای گروه ظالمی که پیرو این آیین هستند استفاده نکند: «وَ قَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرُ ابْنُ اللَّهِ...» (توبه/۳۰)؛ بلکه پیروان این آیین را به صراحت نفرین فرموده: «وَ قَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَ لُعِنُوا بِمَا قَالُوا...» (مائده/۶۴) و ایشان را سرسخت‌ترین دشمنان اهل ایمان معرفی کرده: «لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا...» (مائده/۸۲) و امت اسلامی را از هر گونه رابطه دوستانه با آنان بر حذر می‌دارد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَ النَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ...» (مائده/۵۱). لفظ یهود در سخنان معصومان نیز به معنای ظالمان پیرو این آیین به کار رفته است (کلینی،

۱۳۶۹ش: ج ۲/ ۲۸۲۱؛ صحیح بخاری، ۱۴۱۰ق: ج ۲/ ۱۷۱۲؛ سنن ترمذی، ۱۴۱۹ق: (۳۲۵).

طبق آنچه که گفته شد، نظر امام خمینی از این جهت که در میان پیروان آیین یهود، گروهی معتدل هستند که باید به رسمیت شناخته شده و حقوق آنان حفظ شود، مورد تأیید قرآن است، اما این سخن ایشان که یهودیان ظالم را از جرگه یهودیان خارج می‌دانند، با آیات قرآن و روایات مطابقت ندارد. بر همین اساس در این نوشتار، مقصود از واژه «یهود»، از باب تغلب اعم بر اخص، به معنای یهودیان ستمگر می‌باشد.

کیفیت فسادگستری یهود

تتبع در آیات قرآن کریم و دقت در واژگان و تعابیر به کار رفته برای بیان جریان فسادگستری بنی اسرائیل ما را به موارد ذیل رهنمون می‌شود:

۱. تلاش حریصانه در گسترش فساد

در آیه ۶۰ سوره مبارکه بقره، قوم بنی اسرائیل با عبارت «ولاتعثوا» از فساد کردن در زمین نهی شده‌اند: «وَإِذِ اسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ نَضِيبًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرِبُهُمْ كُلُوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعَثُّوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ». توجه به نظرات مفسران درباره این عبارت، زوایای دقیق‌تری از افساد این قوم را آشکار می‌شود. سیوطی در الدر المنثور از ابن عباس آورده است که معنای «لاتعثوا» را همان «لاتسعوا» (سعی نکنید) می‌داند (۱۴۰۴ق: ج ۷۹/۱) که صاحبان جامع البیان، التبیان و مجمع البیان هم این عبارت را نقل کرده و آن را از میان سایر نظرات برگزیده‌اند (طبری، ۱۴۱۹ق: ج ۲۴۴/۱؛ طوسی: ج ۲۷۱/۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج ۲۵۱/۱).

البته مرحوم طبرسی در تفسیر مجمع البیان نکته‌ای قابل توجه به معنای مذکور افزوده است که شبیه آن را در برخی تفاسیر دیگر نیز می‌توان دید و آن اینکه عبارت «لا تعثوا» هرگونه احتمال را نفی می‌کند، مبنی بر اینکه عمل بنی اسرائیل با وجود داشتن ظاهری مفسدانه، در

۱. ... فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ: صَدَقْتَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ: ... فَأَمَّا أَصْحَابُ الْمَشَاةِ فَهُمْ الْيَهُودُ وَ النَّصَارَى ...

۲. قال رسول الله: لتقاتلن اليهود فلتقتلنهم حتى يقول الحجر يا مسلم هذا اليهودي فتعال فاقتله.

۳. قال رسول الله: تقاتلكم اليهود فتسلطون عليهم حتى يقول الحجر يا مسلم هذا اليهودي من ورائي فاقتله.



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بنیادین اسلام

باطن خیر باشد؛ چرا که ممکن بود برخی اعمال ناشایست، بنی اسرائیل را از باب آسیب زدن به کشتی و کشتن نوجوان توسط حضرت خضر(ع) بدانند و درصدد توجیه آن برآیند (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج ۱/۲۵۱؛ قمی مشهدی، ۱۳۵۸ش: ج ۲/۲۴؛ رازی، ۱۴۰۸ق: ج ۱/۳۰۹). نیز گفته شده که «لاتعثوا» به معنای «لاتمشوا» و «لاتسیروا» است که از ابومالک، ابوحاتم رازی و قتاده روایت شده است (سیوطی، ۱۴۰۴ق: ج ۱/۷۲؛ ابن ابی حاتم: ج ۱/۱۲۲) و بر اساس آن، قوم بنی اسرائیل نه تنها از فساد کردن که از انتقال فساد روی زمین از نقطه‌ای به نقطه دیگر نهی شده‌اند. مؤید این معنا سخن کسانی مثل فخر رازی است که عبارت مذکور را به معنای مبالغه در فسادگستری گرفته است (ج ۳/۵۳۰) یا کسانی که آن را به معنای «أشد الفساد»، «فسادانگیزی در حد غایت» و «تجاوز از حد و طغیان» دانسته‌اند (طبری، ۱۴۱۹ق: ج ۱/ص ۲۴۴؛ آلوسی، ۱۴۱۹ق: ج ۱/۲۷۳؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۱/۱۹۰). به نظر می‌رسد که ابن عباس و تبع وی زمخشری بهترین توضیح را ارائه کرده‌اند: «شده الفساد، بل هو اشد الفساد، اذا تجاوز فی الافساد إلى غایته» (طبری، ۱۴۱۹ق: ج ۱/۲۴۴؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق: ج ۱/۱۴۴).

با توجه به آنچه درباره معنای عبارت «لاتعثوا» ملاحظه شد و آنچه از مطالعه سایر تفاسیر به دست می‌آید، می‌توان گفت که عبارت «لاتعثوا» در خطاب به یهود بنی اسرائیل جامع معانی مختلفی است. مانند «لاتسعوا»، «لاتطغوا»، «أشد الفساد»، «لاتتمادوا فی الفساد»، «لاتمشوا بالمعاصی»، «لاتسیروا بالمعاصی»، «لاتتضربوا فی الارض» (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج ۵/۲۸۵) و این به این معناست که در حقیقت آیه مورد بحث سوره بقره با نهی این گونه بنی اسرائیل از فساد، درصدد انتقال این پیام به مخاطب است که بنی اسرائیل قومی است که به سرعت و با حرص و طمع و حالتی برخاسته از طغیانگری و دشمنی و تجاوزگری سعی در گسترش فساد از نقطه‌ای به نقطه دیگر زمین دارند. فساد که هیچ راه توجیهی ندارد و نمی‌توان تصور کرد که در باطن خیر باشد.

موارد یادشده برای معنای «لاتعثوا» و به دنبال آن مراد از فساد بنی اسرائیل را آیات دیگر قرآن نیز تأیید می‌کنند.

۲. تلاش سریع و بیوقفه در گسترش فساد

در آیه ۶۴ سوره مائده خداوند سبحان فسادانگیزی بنی اسرائیل را با عبارت «و یسعون

فی الارض فساداً» وصف کرده است: «وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا وَالْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يَحِبُّ الْمُفْسِدِينَ». بیشتر مفسران در توضیح عبارت «يسعون» به تلاش و کوشش سخت و مداوم برای فسادانگیزی اشاره کرده‌اند (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ج ۵۰/۲؛ قمی مشهدی، ۱۳۵۸ش: ج ۱۶۴/۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق: ج ۳۹۴/۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج ۳۴۱/۳)، اما صاحب المیزان علاوه به معنای مذکور به قید دیگری نیز اشاره کرده است: «السعي هو السير السريع» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۳۷/۶). بنابراین، معنای «يسعون» با صیغه مضارع بودن آن و دلالت مضارع بر استمرار، در واقع تلاش شدید و سرسختانه و شتابان و پیوسته بنی اسرائیل برای گسترش فساد را می‌فهماند و این معنا با عبارت پیش گفته «لا تعثوا» هم‌خوانی کامل دارد.

۳. فسادگستری از موضع حق به جانب

در آیه ۶۲ سوره مائده، فسادانگیزی یهود با عبارت «يسارعون» بیان شده است: «وَتَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يَسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ». از آنجا که «يسارعون» از باب مفاعله است، متضمن معنای سبقت جستن از یکدیگر و مبالغه در سرعت است. نکته مهم دیگری که در این عبارت باید بدان توجه داشت، این است که «يسارعون» نیت باطنی یهود در فسادگستری را نیز فاش می‌سازد.

سرعت معمولاً درباره امور خیر به کار می‌رود، مانند سرعت گرفتن در کار خیر، چنان که درباره مؤمنان اهل خشیت می‌فرماید: «أُولَئِكَ يَسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ» (مؤمنون/۵۶) و یا امر الهی به سرعت گرفتن در کسب مغفرت الهی و ورود به بهشت در زمره متقین: «وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ» (آل عمران/۱۳۳).

در مقابل برای کارهای شرّ و امور ناپسند بیشتر از عجله و مشتقات آن استفاده می‌شود، مانند اشاره به خلقت انسان از شتاب و عجله: «خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ» (انبیاء/۳۷) که از قرائن ناپسند بودن آن یکی این است که بلافاصله بعد از اشاره به سخره کافران نسبت به پیامبر اکرم ص: «وَإِذَا رَأَوْا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هَؤُلَاءِ أَهَذَا الَّذِي يَذْكُرُ آلِهَتَكُمْ وَهُمْ بِذِكْرِ الرَّحْمَنِ هُمْ



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

كَافِرُونَ» (انبیاء/۳۸) آمده است و دوم اینکه ذیل آیه، همان کافران استهزاکننده را هشدار داده است: «سَأُرِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُون». همینگونه است استعجال عذاب: «وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَوْلَا أَجَلٌ مُّسَمًّى لِّجَاءِهِمُ الْعَذَابُ وَلَيَأْتِيَنَّهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ» (عنکبوت/۵۳)، یا تعجیل در عذاب کردن: «وَرَبُّكَ الْغَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ لَوْ يُؤَاخِذُهُمْ بِمَا كَسَبُوا لَعَجَّلَ لَهُمُ الْعَذَابَ بَلْ لَهُمْ مَوْعِدٌ لَّنْ يَجْدُوا مِنْ دُونِهِ مُؤْتَلًّا» (کهف/۵۸) و حتی عجله حضرت موسی (ع) برای رفتن به میقات: «وَمَا أَعَجَلَكَ عَنْ قَوْمِكَ يَا مُوسَى» (طه/۸۳) و بسیاری موارد دیگر.

نتیجه آنکه هر چند در آیه مورد بحث سوره مائده به ظاهر مناسب‌تر این بود که برای بیان شتاب بنی اسرائیل در فساد کردن از ماده عجله استفاده گردد و نه عبارت مسارع که بیشتر برای کار خیر استفاده می‌شود - چنان که مفسرانی نیز متفطن آن شده‌اند - برای نشان دادن این مهم است که یهود در عین فسادگستری، خود را برحق دانسته و کارهای خود را شایسته می‌پندارند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۳۱/۶؛ رازی، ۱۴۰۸ق: ج ۴/۷؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ج ۲/۳۹۲).

شیخ طوسی علاوه بر مطلب ذکرشده، نکته‌های دیگر را اضافه کرده و آن اینکه آیه در مقام مذمت، تعجیل در فسادگستری است (طوسی: ج ۵۷۷/۳)، لذا بنی اسرائیل نه تنها به خاطر فسادگستری بلکه برای شتاب در این کار مورد عتاب قرار گرفته‌اند و از اینکه آیه خطاب به خواننده یا به پیامبر (ص) است، برداشت می‌شود که درصدد است تا هم فسادگستری و هم سرعت یهود را در این امر هشدار دهد.

۴. فسادگستری با برنامه‌ریزی دقیق و حسابشده

آلوسی بغدادی از عبارت «يُسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ» در آیه ۶۲ سوره مائده استفاده کرده است که آمدن حرف جرّ «فی» به جای «إلی»، حرف جرّ اختصاصی فعل «سارع»، برای تضمین معنای «تمکن» است و این یعنی آیه نشانگر تسلط یهود بر کار فسادگستری و در عین حال همخوانی روح و ابزار اینان با امر فسادگستری است، آنچنان که ظرف و مظلوف با یکدیگر همخوانی دارند (آلوسی، ۱۴۱۵ق: ج ۳۴۵/۳). مؤید این برداشت، فعل «يصنعون» در پایان آیه بعدی است که می‌فرماید: «لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَ أَكَلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» (مائده/۶۳)؛ چرا که تفاوت «يصنعون» و «يعملون» در این است که عمل، به

هر کار آگاهانه یا ناآگاهانه اطلاق میشود، اما «بصنعون» حامل معنای دقت در عمل همراه با طراحی و برنامه‌ریزی و از روی آگاهی است (قمی مشهدی، ۱۳۵۸ش: ج ۴/۱۶۰).

۵. فسادگستری بیسابقه

جنبه دیگر فسادانگیزی بنی اسرائیل که با معنای «لاتطغوا» برای عبارت «لاتعتوا» همخوانی دارد، برتریجویی و استکبار است که در این سخن خداوند سبحان ذکر شده است: «وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَءِيلَ فِي الْكِتَابِ لُتْفُسِدَنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلِتَعْلَنَ عَلَوًّا كَبِيرًا» (اسراء/۴). عبارت «و لتعلن علوا کبیرا» که بالام و نون مشدد مؤکد شده و پس از آن مفعول مطلق تأکیدی موصوف به وصف «کبیرا» آمده و اینکه تمام این عبارت، به فعل مؤکد «لتفسدن» عطف شده است، همه گویای فساد عظیم و بی سابقه و منحصر به فرد بنی اسرائیل است.

بسیاری از مفسران، عبارت «لتعلن علوا کبیرا» را به معنای استکبار و ظلم بزرگ می دانند (طبری، ۱۴۱۹ق: ج ۱۶/۱۵؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ج ۲۹۹/۲۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج ۶/۶۱۵؛ قمی مشهدی، ۱۳۵۸ش: ج ۳۵۸/۷). همچنین ذکر کرده اند که این برتریجویی به معنای ظلم به مردم و تحت سلطه درآوردن آنان است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ج ۲۹۹/۲۰). وصف «کبیرا» نیز نشان دهنده غیرعادی بودن این برتری جویی است که در آیه ۱۶۰ سوره نساء که می فرماید: «فَيُظْلَمُ مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَمًا عَلَيْهِمْ طَبِيبَاتٌ أُحِلَّت لَّهُمْ وَبَصَدَّهِنَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا» مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است. در واقع آیه ۴ سوره اسراء در مقام بیان فراگیر بودن و فشار بی حد و حصر و برتری جویانه بودن فساد بنی اسرائیل است و آیه ۱۶۰ سوره نساء در مقام بیان تکرار فساد و تنوع راهکارهای فسادانگیزی یهود و کثرت قربانیان آنهاست (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۱۳۷/۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق: ج ۱۸۹/۳).

۶. فسادگستری ناشی از دشمنی سرسختانه

آیه ۸۲ سوره مائده با بهره گیری از لفظ «أشد» در مقام بیان میزان عداوت یهود با جامعه مؤمنان، از زاویه دیگری فسادانگیزی پیروان آیین یهود را بیان می فرماید: «لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا». آلوسی بر آن است که این آیه ضمن بیان سرسختی یهود، درصدد است تا دشمنان امت اسلام را در درجه اول یهود و پس از ایشان، مشرکان



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
مجموعه دراست العالم الاسلامی
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش های بنیادی جهان اسلام

معرفی کند و متذکر می‌شود که لفظ «یهود» عمومیت داشته و به یهود مدینه و معاصر رسول خدا اختصاص ندارد (آلوسی، ۱۴۱۵ق: ج ۴/۴).

مؤید اولویت یهود نسبت به مشرکان آیه ۹۶ سوره بقره است که حتی در وابستگی و حرص شدید نسبت به دنیا، یهودیان را بر مشرکان مقدم می‌داند: «وَلْتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَوةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرَ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُرْضَخٍ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ يُعَمَّرَ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ». روایت مشهور ابوهریره از رسول مکرم اسلام که در منابع اهل سنت مکرر نقل شده نیز سرسختی یهود با امت اسلام را تأیید می‌کند و این عداوت را به تکتک یهودیان نسبت می‌دهد: «ما خلا يهوديٍّ بمسلم الا هم يقتله» و در روایتی دیگر «الا حدث نفسه بقتله» (سیوطی: ج ۳۰۲/۲؛ همو، الجامع الكبير، ۱۴۰۴ق، باب الميم: ج ۱/ حدیث ۲۰۸۴۷). اغلب مفسران اهل سنت و برخی از مفسران شیعه از این روایت ذیل آیه ۸۲ مذکور مانده استفاده کرده‌اند (آلوسی، ۱۴۱۵ق: ج ۴/۴؛ رازی، ۱۴۰۸ق: ج ۱۰۵/۷؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵ش: ج ۱۸۲/۹).

در آیه ۲۰۴ سوره بقره، معنای «أشد عداوه» با لفظ «ألد الخصام» بیان شده است: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ». به تعبیر فخر رازی این آیه و آیه بعدی که در ادامه قبل می‌فرماید: «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ» (۲۰۵)، توصیفی مختصر و بلیغ در تبیین فسادانگیزی است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ج ۳۴۷/۵).

ماهیت فساد و افساد یهود

قرآن کریم در آیاتی چند به معرفی ماهیت افساد یهود پرداخته است که وجوه مختلفی را به شرح ذیل شامل می‌شود:

۱. افساد اقتصادی

قرآن کریم تصریح دارد که یهود اهل گرفتن ربا و خوردن مال باطل هستند: «وَأَخْذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ» (نساء/۱۶۱). اما در آیات ۴۲، ۶۲ و ۶۳ مانده با عبارت «سُحَّت» به این بُعد از فسادگستری یهود اشاره کرده است: «سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَّالُونَ



فصلنامه علمی - پژوهشی
مجموعه دراست عالم الاسلامی
پژوهشهای بنیادی جهان اسلام

لِلسُّحْتِ»، «و تَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يُسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ» و «لَوْ لَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَانِيُّونَ وَالْأَخْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ». «سُحْت» به معنای هر مالی است که از راه حرام به دست آید (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۳/۵). بسیاری از مفسران در تبیین معنای «سحت» به رشوه، ربا، سود حاصل از معامله نجاست و ابزار لهو و لعب اشاره و به روایاتی نیز استناد کرده‌اند (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ج ۳/۲؛ طبری، ۱۴۱۹ق: ج ۱۵۷/۶-۱۵۵) که جامع‌ترین این روایات از امام باقر(ع) نقل شده است: «سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْغُلُولِ فَقَالَ: كُلُّ شَيْءٍ غُلٍّ مِنَ الْإِمَامِ فَهُوَ سُحْتٌ. وَ أَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ وَ شَبْهَةِ سُحْتٍ. وَ السُّحْتُ أَنْوَاعٌ كَثِيرَةٌ مِنْهَا أَجُورُ الْفَوَاحِرِ وَ ثَمَنُ الْخَمْرِ وَ النَّبِذُ الْمُسْكِرِ وَ الرِّبَا بَعْدَ الْبَيْنَةِ، فَمَا الرِّشَا فِي الْحَكَمِ فَإِنَّ ذَلِكَ الْكُفْرَ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَ بَرَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ» (کلینی، ۱۳۶۹ش: ج ۱۲۶/۵). به نظر می‌رسد این روایت و روایات مشابه هر کدام در مقام بیان مصادیق «سحت» اند و نه محدود کردن معنای آن در چند مورد خاص. بنابراین، معنایی که در ابتدا از علامه طباطبایی ذکر شد، کامل‌ترین ترجمه است.

از موارد مذکور می‌توان نتیجه گرفت که یکی از جنبه‌های مهم فسادانگیزی یهود، جنبه اقتصادی است که در آیات دیگر قرآن کریم مورد تأکید و یادآوری قرار گرفته است: از جمله در آیه ۷۹ سوره بقره که چنین فرموده: «فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيُشْتَرَوْا بِهِ تَمَتًّا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَ وَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ» و اشاره به پولی است که برای تحریف آیات دریافت می‌کردند. جنبه خطرناک‌تر فساد اقتصادی یهود را در آیه ۱۶۱ سوره نساء که در آغاز این بحث ذکر شد ملاحظه می‌کنیم: «وَ أَخَذِهِمُ الرَّبُّ وَ قَدْ نُهُوا عَنْهُ وَ أَكَلِهِمْ أَمْوَالُ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ» و از آنجا که خداوند وعده نابودی ربا را داده است: «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا» (بقره/۲۷۶)، می‌توان استفاده کرد که یهود به صورت طراحی شده و با آگاهی کامل - که توضیح آن ذیل عبارت «يَصْنَعُونَ» ارائه شد- درصدد ریشه‌کنی اقتصاد سایر ملت‌هاست. این سخن هم‌خوانی بیشتری با واژه «سحت» دارد؛ چرا که «سحت» در اصل به معنای «ریشه‌کن شدن» است (قمی مشهدی، ۱۳۵۸ش: ج ۱۲۰/۴؛ طبری، ۱۴۱۹ق: ج ۱۵۶/۶)، همان‌طور که در تنها استعمال دیگر قرآنی آن به غیر از «سحت»، آمده است: «قَالَ لَهُمْ مُوسَى وَيْلَكُمْ لَا تَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَيُسْحِتَكُمْ بِعَذَابٍ وَقَدْ خَابَ مَنْ افْتَرَى» (طه/۶۱).

اظهارات دانشمندان و نظریه‌پردازان یهود در دوران معاصر نیز به صراحت گویای

این امر است که آنها به دنبال نابودی اقتصاد غیریهودیان از طریق ترویج بانکداری ربوی بوده‌اند: «پول‌های مازاد بر احتیاجمان را به کشورهای غیریهودی وام می‌دهیم و با استفاده از رشوه‌خواری مدیران و اهمال و ندانم‌کاری فرمانروایان این‌گونه ممالک، دو تا سه برابر پولهایمان را پس می‌گیریم» (پروتکل‌های دانشوران صهیون، پروتکل ۲۱). رخدادی که در بانکداری امروز جهان و به تبع آن فروپاشی و ورشکستگی‌های متعدد نظام‌های اقتصادی شاهد آن هستیم (Bank Failures in Mature Economics, 2004).

غصب ثروت‌های مردم توسط یهود در همین آیه با عبارت «أَكْلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ» و با تعبیر مشابه در آیه دیگری چنین آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن كَثِيرًا مِّنَ الْأَخْبَارِ وَ الرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ» (توبه/۳۴). در آیه ۵۳ سوره نساء به صفت بخل و حسد این قوم که منجر به تحریم سایر ملت‌ها می‌شود، اشاره شده است در حدی که اگر ثروتی به چنگشان آید حتی به اندازه یک روزنه هسته خرما نیز کسی را بهره‌مند نمی‌کنند: «أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّنَ الْمُلْكِ فَإِذَا لَا يُؤْتُونَ النَّاسَ نَقِيرًا». براساس همین آیه می‌بینیم که یهود در هر عرصه‌ای که قدرت یافته به تحریم سایر جوامع اقدام کرده است (US Sanctions programs and country information, 2017).

در آیه ۲۰۵ سوره بقره برای تبیین فساد یهود، عبارت «يُهْلِكُ الْخَرْثَ وَ النَّسْلَ» ذکر شد. نظرات مفسران درباره معنای این عبارت نسبتاً متنوع است. مطابق نظر علامه طباطبایی با توجه به اینکه قوام زندگی جامعه به تغذیه و تولید وابسته است، دشمن درصدد از بین بردن زیرساخت‌های این دو رکن حیاتی است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۹۲/۲). آلوسی و برخی دیگر نیز حرث را به معنای کشاورزی و نسل را به معنای دامداری گرفته‌اند (آلوسی، ۱۴۱۵ق: ج ۴۹۱/۱؛ طبری، ۱۴۱۹ق: ج ۱۸۵/۲؛ ابن قتیبہ: ۷۴). بر این اساس، یکی از جهات دشمنی و فسادانگیزی یهود، از بین بردن زیرساخت‌های کشاورزی و دامداری سایر جوامع است؛ امری که امروزه به عنوان حملات بیولوژیک در هر دو عرصه مذکور مطرح است. گسترش بذره‌های تراریخته (Julian K-C Ma, 2008: 290-298) و ایجاد و گسترش بیماری‌هایی همچون جنون گاوی، آنفلوآنزای پرندگان و امثال آنها از این دسته اقدامات هستند (Hayden, 2005: 1311-1314).

دیگر آن که عبارت «لا تعثوا» غیر از آیه ۶۰ بقره، در آیات ۸۵ هود و ۱۸۳ شعراء از زبان

حضرت شعیب (ع) خطاب به ساکنان منحرف مدین بیان شده است: «وَاِذَا قَوْمٌ اَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ اَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْاَرْضِ مُفْسِدِينَ»، «وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ اَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْاَرْضِ مُفْسِدِينَ». همان طور که در هر دو آیه ملاحظه می شود فسادی که حضرت شعیب به قوم خود گوشزد می کنند، در درجه اول جنبه اقتصادی و در درجه دوم جنبه امنیتی - اقتصادی دارد؛ چراکه ساکنان مدین به کم فروشی آلوده بوده، به راهزنی اقدام می کردند و در هر دو مورد خوردن مال حرام محوریت دارد. پس عبارت «لاتعتوا» در آیه ۶۰ بقره، به قرینه آیه ۸۵ هود و ۱۸۳ شعراء، جنبه اقتصادی فسادانگیزی یهود را نیز در خود نهفته دارد.

۲. افساد فرهنگی

برای دو واژه «حرث» و «نسل» در آیه قبلی معانی دیگری نیز ذکر شده که در واقع تأویل اند و نمی توان به آنها ترجمه اطلاق کرد. از امام صادق (ع) چنین روایت شده است: «الحرث فی هذا الموضع الدین و النسل الناس» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ج ۱/۲۴۰؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق: ج ۱/۴۹۱). با توجه به این روایت مقصود آیه، فساد فرهنگی است. برخی معانی و تأویل های دیگر ذکر شده برای این دو واژه نیز به طور عمده محتوای فرهنگی دارند. مثل اینکه «حرث» به معنای قطع رحم و «نسل» به معنای ریختن خون مسلمانان است (طبری، ۱۴۱۹ق: ج ۲/۱۸۵) یا این سخن که بر اساس آیه «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ» (بقره/ ۲۲۳)، «حرث» به معنای زنان و نسل به معنای کودکان است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ج ۵/۳۴۸). در صورتی که جنبه فرهنگی معانی این دو واژه را هم صحیح بدانیم می توان آیه ۲۲ سوره محمد را مؤید این احتمال دانست که می فرماید: «فَهَلْ عَسَيْتُمْ اِنْ تَوَلَّيْتُمْ اَنْ تُفْسِدُوا فِي الْاَرْضِ وَ تَقَطَّعُوا اَرْحَامَكُمْ»، زیرا در آن همانند آیه مورد بحث سوره بقره بعد از اشاره به فساد در زمین بعد از تولی، به هر یک از معانی ذکر شده قبلی، به قطع رحم اشاره شده که به نوعی جانشین اهلاک حرث و نسل است. به ویژه اینکه در النکت و العیون برای فساد حرث معنای «صد» و برای فساد نسل معنای کفر بیان شده است (مارودی بصری، ۴۵۰ق: ج ۱/۲۶۶) و از آنجا که عبارت «صد عن سبیل الله» در آیه ۱۶۰ نساء در مقام ایجاد انحراف فرهنگی و فکری به کار رفته است و مصداق اتم آن که همان کفر است، نیز در آیه ۱۵۶ نساء آمده است، ارتباط معنایی آیات یاد شده بیشتر روشن و ماهیت ضد فرهنگی و فکری فسادانگیزی یهود آشکارتر می شود.



فصلنامه علمی - پژوهشی
مجموعه دراست العالم الاسلامی
پژوهش های بنیادی جهان اسلام

یک اشکال و پاسخ آن

از یک سو گفته شد که معنای ظاهری «حرث» و «نسل» جنبه اقتصادی دارد و از سوی دیگر چنان که ملاحظه شد در برخی روایات و همچنین مطابق نظر بعضی مفسران، برای این واژه‌ها معانی فرهنگی ذکر شده است. از اینرو، به نظر می‌رسد که میان متن آیه و متن روایات تعارض وجود دارد. لکن باید گفت که این تعارض، تعارض مستقر نیست و با توجه به حدیث امام حسین (ع) در روز عاشورا قابل رفع است. در روز عاشورا بعد از ۶ بار سخنرانی و نصیحت امام حسین (ع) برای لشکر دشمن، تنها پاسخی که به امام داده شد، حرف‌های پوچ و تمسخرآمیز سربازان بود. در نهایت امام ریشه این انحراف بزرگ را در این دانستند که شکم‌های آنان از حرام پر شده است: «قال حسین بن علی: إِنَّمَا أَدْعُوكُمْ إِلَى سَبِيلِ الرَّشَادِ فَمَنْ أَطَاعَنِي كَانَ مِنَ الْمُرْشِدِينَ وَ مَنْ عَصَانِي كَانَ مِنَ الْمُهْلَكِينَ وَ كُلُّكُمْ عَاصٍ لِأَمْرِي غَيْرُ مُسْتَمِعٍ قَوْلِي، فَقَدْ مُلِثْتُ بِطُغْيَانِكُمْ مِنَ الْحَرَامِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۸/۴۵). پس در واقع روایت امام صادق (ع) بیان نتیجه فساد اقتصادی یهود است.

اینکه در آیات ۱۶۰ و ۱۶۱ سوره نساء «مانع راه خدا شدن»، «گرفتن ربا» و «خوردن مال مردم» پیدریبی آمده‌اند: «فَيُظْلَمُ مَنْ الَّذِينَ هَادُوا حَرَمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَ بَصَدَّهِمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا / وَ أَخَذَهُمُ الرِّبَا وَ قَدْ نُهِيَ عَنْهُ وَ أَكَلِهِمْ أَمْوَالُ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ»، گویای تأثیر متقابل فساد اقتصادی و فرهنگی بر یکدیگر است و اینکه امامان معصوم تأویل آیه چهارم سوره اسراء را که می‌فرماید: «وَ قَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَءِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَ لَتَعْلُنَّ عُلُوقًا كَبِيرًا»، به شهادت رساندن امام حسین (ع) بیان کرده‌اند، نیز در همین راستا قابل ارزیابی است (کلینی، ۱۳۶۹ش: ج ۲۰/۶۸). به این معنا که از کنار هم قرار دادن این آیات و روایات به این نتیجه می‌رسیم که امام حسین (ع) در اثر انحرافات اقتصادی ایجادشده به دست یهود در میان امت اسلام، به شهادت رسیدند و به همین دلیل شهادت ایشان به یهود نسبت داده شده است.

۳. افساد سیاسی - نظامی

گرچه بیشتر مفسران، لفظ «تولی» در آیه ۲۰۵ بقره که می‌فرماید: «وَ إِذَا تَوَلَّى سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَ يُهْلِكَ الْحَرْثَ وَ النَّسْلَ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ» را به معنای روی گرداندن دانسته‌اند اما، علامه طباطبائی معتقد است که به قرینه آیه بعدی به معنای به حکومت رسیدن است: «التولی هو تملك الولاية و السلطان، و يؤيده قوله تعالى في الآية التالية: أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ،



فصلنامه علمی - پژوهشی
جمعیت نرسان عالم اسلامی

پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۶۶

سال هشتم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۷

الدال على أن له عزة مكتسبة بالإثم الذي يَأْتُم به قلبه غير الموافق للسانه، و السعى هو العمل و الإسراع في المشى، فالمعنى و إذا تمكن هذا المنافق الشديد الخصومة من العمل و أوتى سلطانا و تولى أمر الناس سعى في الأرض ليفسد فيها» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۹۶۷). بنابراین، طبق نظر علامه باید از میان معانی مختلف عبارت تولى معنای را انتخاب کنیم که هم خوانی آن با آیه بعد و عبارت العزة حفظ شود.

همچنین دو آیه ۵۳ و ۵۴ سورة نساء که می فرماید: «أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّنَ الْمُلْكِ فَإِذَا لَا يُؤْتُونَ النَّاسَ نَقِيرًا/ أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ آتَيْنَاهُم مُّلكًا عَظِيمًا»، مؤید صحت دیدگاه علامه درباره معنای «تولى» است. آنچه که از ظاهر آیه ۵۳ و ۵۴ برداشت می شود این است که بنی اسرائیل از نعمت ملک عظیم داده شده به آل ابراهیم محروم شده اند و به همین سبب نسبت به آل ابراهیم حسادت می ورزند. حکومت بزرگی که در این فراز بدان اشاره شده باید غیر از حکومتی باشد که سابق بر این به برخی از انبیاء بنی اسرائیل (حضرت یوسف (ع)، حضرت داوود (ع) و حضرت سلیمان (ع)) اعطا شده است؛ چرا که در واقع این حکومت ها به بنی اسرائیل داده شده و جایی برای حسادت ندارد. بر همین اساس علامه مقصود از آل ابراهیم را در این آیه بنی اسماعیل می داند و نه بنی اسرائیل (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۳۷۶/۴).

صفت «عظیم» برای ملک گویای این است که حکومت داده شده به بنی اسماعیل، از حکومت انبیاء بنی اسرائیل بسیار فراتر است و از آنجا که هیچ کدام از بنی اسماعیل تا قبل از بعثت حضرت محمد (ص) به حکومت نرسیده اند، این نتیجه به دست می آید که این ملک عظیم، حکومت چهارده معصوم (ع) است. در این باره روایات متعددی نیز وارد شده است: «عن بريد العجلي قال: سألت أبا جعفر عليه السلام عن قول الله عز و جل: «أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّنَ الْمُلْكِ» يعنى الإمامة و الخلافة (كلینی، ۱۳۶۹: ج ۱/۵۹). عن أبی عبد الله عليه السلام فى هذه الآية: «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ» فقال: نحن الناس الذين قال الله: و نحن و الله المحسودون و نحن أهل هذا الملك الذى يعود إلینا» (صفار قمی، ۱۴۰۴: ج ۵۶۷/۹). از این روایات و موارد متعدد مشابه آن برداشت می شود که مقصود از «ملک عظیم» خلافت امیرالمؤمنین علی (ع) است که با دسیسه یهود از ایشان غصب شده است و سرانجام با حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به ایشان باز خواهد گشت. بر این اساس، بخش مهمی از فسادانگیزی یهود ممانعت



فصلنامه علمی - پژوهشی
مجموعه دراست العالم الاسلامی
پژوهشهای نوین در باره غده سرطانی...

از تحقق حکومت حق است که به طور خاص از زمان سقیفه بنی ساعده آغاز و تاکنون نیز ادامه دارد.

ممکن است این سؤال مطرح شود که با توجه به اینکه طبق نظر مفسران این آیه در شأن منافقان نازل شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۹۶/۲؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق: ج ۱۳۳/۱) چگونه می‌توان آن را با یهود مرتبط دانست؟ در این خصوص باید گفت که ارتباط یهود و منافقان آنقدر تنگاتنگ است که قرآن کریم در آیه ۱۱ سوره حشر از این ارتباط با عنوان برادری یاد می‌کند: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَئِنْ أُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ وَلَا نَطِيعُ فِيكُمْ أَحَدًا أَبَدًا وَإِنْ قُوتِلْتُمْ لَنَنْصُرَنَّكُمْ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ». بدین سبب اغلب مفسران بر این باورند که یهود و منافقان در عقیده و عملکرد، مشترک و در تعامل نزدیک با یکدیگرند (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج ۳۹۵/۹؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ج ۵۰۹/۲۹؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق: ج ۲۰۱/۵).

بر پایه این سخن میتوان آیات ۲۰۴ تا ۲۰۶ سوره بقره را از باب جری و تطبیق در خصوص یهود نیز دانست. به ویژه آنکه تمام خصوصیات ذکر شده برای فسادگستری یهود در قبل را در این آیه نیز می‌بینیم. از جمله اینکه معنای تولى و به قدرت رسیدن را در آیه ۴ اسراء در عبارت «ولتعلن علوا كبيرا» می‌یابیم (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ج ۲۹۹/۲۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۳۸/۱۳). واژه «سعی» در آیه ۲۰۴ بقره، مؤید و یادآور واژه «یسعون» و «یسارعون» در آیات ۶۲ و ۶۴ سوره مائده است که پیشتر ذکر شد. همچنین واژه «لیفسد» مؤید آیات ۶۰ بقره و ۶۴ مائده است و عبارت «ألد الخصام» هم معنا با عبارت «أشد الناس عداوه» در آیه ۸۲ مائده است. ممکن است این شبهه مطرح شود که قوم بنی اسرائیل براساس آیات ۴۷ و ۱۲۲ بقره نسبت به تمام جهانیان برتری داده شده‌اند: «يا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ» و به آنها نعمت‌های بی‌سابقه و پادشاهی نیز اعطاء شده است: «وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا وَآتَاكُمْ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ» (مائده/۲۰). پس مخالفت با آنها به ویژه در زمینه کسب قدرت سیاسی و ایجاد حکومت جهانی یهود، با قرآن مغایرت دارد.

برای پاسخ به این ابهام لازم است به عذاب‌های متعدد و منحصر به فردی که بر این قوم نازل شده است، توجه کرد. از جمله تبدیل ایشان به بوزینگانی طردشده: «وَلَقَدْ عَلِمْتُمْ



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های باسی جهان اسلام

۶۸

سال هشتم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۷

الَّذِينَ اعْتَدُوا مِنْكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ» (بقره/۶۵) که در اثر نافرمانی این قوم به وقوع پیوست. در واقع بنی اسرائیل در برابر نعمت‌های بی‌شمار و بی‌سابقه الهی، به طغیانگری‌های مکرر و بی‌سابقه‌ای همچون کشتار گسترده پیامبران دست یازیدند: «فَبِمَا نَقْضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ وَكُفْرِهِمْ بِآيَاتِ اللَّهِ وَقَتْلِهِمُ الْأَنْبِيَاءَ بَغَيْرِ حَقٍّ وَقَوْلِهِمْ قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا» (نساء/۱۵۵) که در نهایت منجر به گرفتار شدن ایشان به نفرین الهی شده و از فرصت رهبری و برتری بر سایر اقوام محروم شده و به استناد آیه «قُلْ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ بِشَرٍّ مِنْ ذَلِكَ مَثُوبَةً عِنْدَ اللَّهِ مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ وَغَضِبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمْ الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيرَ وَعَبَدَ الطَّاغُوتَ أُولَئِكَ شَرٌّ مَكَانًا وَأَضَلُّ عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ» (مائده/۶۰) مستحق بدترین جزا بوده و به پست‌ترین جایگاه در دنیا و آخرت فروکشیده شدند.

سخن آخر اینکه فسادانگیزی یهود در عرصه اقتصادی با محوریت ربا، رشوه، خوردن به ناحق مال مردم، تحریم، نابود کردن کشاورزی و دامداری سایر جوامع و در عرصه فرهنگی با ایجاد تحریف و انحراف در دین و فاسد کردن زنان و کودکان و قطع روابط خویشاوندی بروز می‌کند و زمانی به اوج خطر می‌رسد که با خوی سلطه‌جویی و به زیرکشاندن سایر ملت‌ها در عرصه قدرت سیاسی همراه شود. این خطر در آیات ۵۴ نساء، ۴ اسراء (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ج ۲۹۹/۲) و ۲۰۴ بقره (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۹۶/۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ج ۲۴۰/۱؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق: ج ۴۹۱/۱) گوشزد شده است.

خصلت برتری‌جویی و غصب قدرت و حاکمیت بر تمام جوامع در سطح جهان، در کتب دینی آیین تحریف‌شده یهود کاملاً مشهود است؛ تا جایی که صراحتاً بر این اعتقادند که غیر یهودیان، حیواناتی انسان‌نمایند که برای نوکری یهود آفریده شده‌اند و در صورت امتناع و سرکشی باید کشته شوند: «ملت برگزیده خداوند ماییم و لذا برای ما حیوانات انسان‌نمایی خلق کرده است، زیرا خدا می‌داندست که ما احتیاج به دو قسم حیوان داریم، یکی حیوانات بی‌شعور و غیرناطقه مانند بهائم و دیگری حیوانات ناطقه و با شعور مانند مسیحیان و مسلمانان و بودائی‌ان» (Talmud: Midrasch Talpioth: 225, Warsaw 1855T) و معتقدند که اگر غیر یهودیان از نوکری یهود سرباز زنند باید کشته شوند: «ایشان را مانند گوسفندان برای ذبح بیرون کش و ایشان را به جهت روز قتل تعیین نما (عهد عتیق، سفر تثئیه، باب ۲۰، بند ۳). یهودیان صهیونیست نه تنها جان و مال که ناموس غیریهودیان را هم حلال می‌شمارند:



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

«تعدی به ناموس غیریهودی مانعی ندارد، زیرا کفار مثل حیواناتاند و حیوانات را زناشویی نیست. یهودی حق دارد، زن‌های غیر مؤمنه (زنانی که یهود نباشند) را به غصب برباید و زنا و لواط با غیر یهودی عقاب و کیفری ندارد» (Talmud: Bammidber raba c 21 & jalkut) (772, Sepher Ikkarim III c 25) و برای نیل به این اهداف هر لحظه به دنبال جنگ‌افروزی نظامی هستند. این مطلب را می‌توان از ظاهر عبارت «ولایزالون یقاتلونکم» در آیه ۲۱۷ بقره و عبارت «کلما اوقدوا ناراً للحرب» در آیه ۶۴ مائده برداشت کرد.

خلاصه آنکه فسادانگیزی یهودیان ستمگر و به تبع آن رژیم صهیونیستی به چهار عنوان اصلی اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و نظامی تقسیم می‌شود که هدف اقتصادی به عنوان هدف اصلی و سه هدف بعدی در راستای تحقق هدف اقتصادی ارزیابی می‌شوند.

جوامع و سرزمینهای در معرض خطر

بعد از تبیین کیفیت و ماهیت فسادگستری یهود لازم است مشخص شود که کدام جوامع در معرض خطر قرار دارند. برای بررسی این مهم توجه به نظرات مختلف مفسران درباره واژه «ارض» در آیات مورد بحث ضرورت دارد. نظر آلوسی ذیل آیه ۶۰ سوره بقره که می‌فرماید: «كُلُوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» چنین است: «و المراد من الأرض عند الجمهور أرض التيه. و يجوز أن يريدها و غيرها مما قدروا أن يصلوا إليها فينالها فسادهم و جوز أن يريد الأرضين كلها و (أل) لاستغراق الجنس» (آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۱/۲۷۳). البته آلوسی منظور خود را از عبارت جمهور به طور دقیق مشخص نکرده و سایر مفسران نیز ذیل این آیه متعرض این بحث نشده‌اند، اما ظاهر کلام آلوسی نشان می‌دهد که وی منظور از «ارض» را تمام سرزمین‌ها می‌داند و اینکه «الارض» بدون قید آمده است، نیز مؤید این نظر است. آیه بعدی که این کلمه بدون شک با الفولام استغراق جنس در آن به کار رفته است: «يُخْرِجُ لَنَا مِمَّا تُنْتَبِ الْأَرْضُ» مؤید دیگری بر این نظر است.

شبهه همین بحث ذیل آیه «وَقَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا» (اسراء/۴) نیز مطرح است: برخی از مفسران بر این نظرند که مقصود از «ارض» سرزمین مصر است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ج ۲۰/۲۹۹؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ق: ج ۳/۱۰؛ ابن قتیبه، قرن ۳: ج ۱/۲۱۳) و برخی دیگر آن را سرزمین شام می‌دانند (تفسیر الجلالین،



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام

۷۰

سال هشتم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۷

۱۴۱۶ق: ج ۲۸۶/۱؛ قرطبی، ۱۳۶۴ش: ج ۲۱۴/۱۰). برخی نیز آن را بر سرزمین فلسطین منطبق می‌دانند (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ج ۶۱۴/۶). اما هیچ کدام برای معانی مذکور دلیلی ذکر نکرده‌اند.

در این میان صاحب تفسیر الفرقان بحث دقیق‌تری مطرح کرده است. ایشان بر این نظر است که واژه «ارض» تمام سرزمین‌ها را شامل می‌شود. چون اگر مقصود، سرزمین فلسطین بود یا باید با صفت «المقدسه» همراه می‌شد، همان طور که در جای دیگری چنین فرموده است: «يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا عَلَى أَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ» (مائده/۲۱) یا باید نکره می‌آمد که به محدود بودن اشاره می‌داشت، مانند آیه ۹ سوره یوسف: «اقْتُلُوا يُوسُفَ أَوْ اطْرَحُوهُ أَرْضًا». ایشان سپس نتیجه گرفته است که واژه «ارض» تمام سرزمین‌ها را دربرمی‌گیرد (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵ش: ج ۳۳/۱۷). برای تأیید این نظر می‌توان آیاتی را ذکر کرد. مانند: «وَنَجَّيْنَاهُ وَلُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ» (انبیاء/۷۱) و «وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عَالِمِينَ» (انبیاء/۸۱) که در هر دو مورد برای بیان سرزمین فلسطین از کلمه «ارض» با وصف «بارکنا» استفاده شده است.

در برخی روایات، تأویل فساد اول و دوم بنی‌اسرائیل، شهادت امام علی و امام حسن و امام حسین علیهم السلام دانسته شده است: «عن أبي عبد الله عليه السلام في قوله تعالى: «وَقَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لُتْفُسِدَنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ» قال: قتل علي بن أبي طالب و طعن الحسن عليه السلام و «لَتَعْلَنَ عُلوُّا كَبِيرًا» قال: قتل الحسين عليه السلام (کلینی، ۱۳۶۹: ج ۲۰۶/۸، ح ۲۵۰). این روایت و روایات مشابه آن نیز مشخص می‌کند که مقصود از «ارض» در آیات مورد بحث به سرزمین خاصی منحصر نیست و تمام جوامع در معرض خطر فسادگستری یهود قرار دارند.



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

بحث و نتیجه گیری

۱. اغلب پیروان آیین یهود که به عبارت دیگر، همان قوم بنی اسرائیل اند، برخلاف گروه میانه‌رو که در اقلیت قرار دارند، به تصریح قرآن کریم قومی فاسدند. البته تفاوتی مهم بین این افراد و سایر اقوام فاسد وجود دارد که عبارت است از حرص و تلاش شدید و بیوقفه بنی اسرائیل برای گسترش فساد در سایر اقوام و جوامع. این مطلب را می‌توان از آیات ۶۰ بقره، ۴ اسراء، ۶۲ و ۶۴ مائده، ۱۶۰ نساء و ۸۲ مائده برداشت کرد.

۲. فسادگستری اسرائیلی‌ها کاملاً برنامه‌ریزی شده و از موضع حق به جانب است و از دشمنی سرسختانه قوم یهود و بنی اسرائیل با مؤمنان نشأت می‌گیرد.

۳. به استناد آیات ۴۲ و ۶۲ مائده، ۲۰۴ بقره، ۵۳ و ۱۶۱ نساء بخش مهمی از فسادگستری یهود جنبه اقتصادی دارد و از طریق تحریم، نابودی کشاورزی و دامداری و نابودی مردم و به ویژه گسترش پول ربوی در سایر جوامع انجام می‌شود. امری که در نهایت به استناد «ی‌محق الله الربا» به فروپاشی کامل اقتصادی جوامع منجر خواهد شد و به صراحت مورد اشاره علمای یهود به عنوان هدف اصلی قرار گرفته است.

۴. فسادانگیزی یهود ابعاد فکری و فرهنگی نیز دارد که به قرینه آیات دیگر، این انحراف فرهنگی با انحراف اقتصادی در ارتباط بوده و ریشه در لقمه‌های حرام دارد.

۵. یکی از ابعاد فسادانگیزی این قوم به استناد آیات ۲۰۴ بقره، ۵۴ نساء و ۴ اسراء جنبه کسب حکومت و قدرت سیاسی است.

۶. یهود برای نیل به اهداف فوق در هر زمان به دنبال جنگ‌افروزی نظامی است.

۷. مضارع بودن فعل‌های بیانگر فساد بنی اسرائیل مبین این مطلب است که فسادگستری آنها بی‌وقفه و همیشگی بوده و به زمان خاصی محدود نمی‌شود.

۸. با توجه به اطلاق واژه «الارض» در آیات مذکور مشخص می‌شود که هیچ قوم و سرزمینی از آسیب فسادانگیزی گسترده یهود در امان نیستند، ضمن اینکه به استناد آیه ۸۲ مائده جامعه مؤمنان در معرض تحمل بیشترین ضربات اند.

۹. مهم‌ترین مشخصه غده سرطانی به استناد منابع علم طب گسترش آلودگی از یک توده کوچک به سایر بافت‌های بدن - متاستاز - است و تشبیه اسرائیل به غده سرطانی از سوی امام خمینی کاملاً با خوی فسادگستری این قوم که در قرآن کریم بیان شده و در میدان عمل



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام

۷۲

سال هشتم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۷

نیز مشاهده می‌شود، تطابق داشته و یک شعار سیاسی صرف و یا یک موضع‌گیری متعصبانه نیست.

۱۰. سیاست جمهوری اسلامی ایران از یک سو در قبال یهودیان میانه‌رو و هموطنان کلیمی و از سوی دیگر در مواجهه با رژیم صهیونیستی اسرائیل چه در زمان حضرت امام و چه در دوران رهبری مقام معظم رهبری - مدّ ظلّه - یک سیاست اصولی مستظهر به آیات قرآن و منطبق بر جهانبینی صحیح اسلامی است.

پیشنهاد

بررسی چرایی تأکیدات مکرر امام خمینی مبنی بر ضرورت نابودی هر چه سریعتر رژیم صهیونیستی و راهکارهای تحقق آن از دیدگاه قرآن و روایات.



- ابن ابی حاتم (قرن ۴). تفسیر القرآن العظیم.
- ابن جوزی، عبدالرحمن ابن علی (۱۴۲۲ق). زادالمسیر فی علم التفسیر. بیروت: دارالکتب العربی.
- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (بی‌تا). غریب القرآن. بیروت: دار و مکتبه الهلال.
- آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- بابایی، محمود (۱۳۹۱). «امنیت هستی‌شناختی و مسائل امنیتی خلیج فارس بعد از انقلاب اسلامی ایران»، فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام. شماره ۴، صص ۱۷۳-۱۵۴.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۱۰ق). صحیح البخاری. قاهره: المجلس الاعلی للثئون الاسلامیه.
- بضاوی، عبدالله ابن عمر (۱۴۱۸ق). أنوارالتنزیل وأسرار التأویل. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ترمذی، محمد بن عیسی (۱۴۱۹ق). سنن الترمذی. قاهره: دارالحديث.
- تهرانی، محمدصادق (۱۳۶۵ش). الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن. قم: انتشارات فرهنگ اسلامی.
- الثعالبی، عبدالرحمن (۱۴۱۶ق). جواهر الحسان فی تفسیر القرآن. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ق). الكشف و البیان. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ثمالی، ابوحمزه (قرن ۱). تفسیر القرآن الکریم.
- خمینی، روحالله (۱۳۸۹ش). صحیفه امام خمینی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- رازی، ابوالفتح (۱۴۰۸ق). روضالجنان فی تفسیر القرآن. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
- زارعی، بهادر (۱۳۹۲). «حقوق اقلیت‌ها از سه منظر: اسناد بین‌المللی، اسلام و قانون اساسی ج.ا.ایران». فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام. شماره ۱، صص ۷۰-۴۹.
- زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل. بیروت: دارالکتب العربی.
- زیباکلام، صادق (۱۳۹۲). <http://farhangemrooz.com/news>.
- _____ (۱۳۹۴). <https://www.parsine.com/fa/news>.
- سیار، پیروز (۱۳۹۷ش). عهد عتیق. تهران: نشر هرمس.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴ق). الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور. قم: دفتر نشر آیت العظمی مرعشی نجفی.
- _____ (۱۳۰۰ق). جمع الجوامع او جامع الکبیر. قاهره: الهيئة المصریة العامة للکتاب.
- شکوهی، سعید (۱۳۹۳). «نگرش قدسی به سیاست بر روابط خارجی در اندیشه اندیشمندان ایرانی». فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام. شماره ۱، صص ۷۷-۵۴.
- صفارقمی، محمدابن حسن (۱۴۰۴ق). بصائر الدرجات. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین



فصلنامه علمی- پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

حوزه علمیه قم.

- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۴۱۹ ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دارالمعرفه.
- طوسی، محمد بن حسن (بیتا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ ق). مفاتیح الغیب. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- فضال الله، سید محمد حسین (۱۴۱۹ ق). تفسیر من وحی القرآن. بیروت: دارالماک للطباعة و النشر.
- فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۵ ق). تفسیر الصافی. تهران: انتشارات الصدر.
- قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا (۱۳۵۸ ش). تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرایب. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۹ ش). الکافی. تهران: انتشارات علمیه اسلامی.
- مارودی بصری، علی بن محمد بن حبیب (۴۵۰ ق). النکت و العیون. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ ق). بحار الانوار. تهران: انتشارات اسلامی.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸ ش). التحقيق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- موسوی، سید محمد (۱۳۹۱). «تحولات انقلابی مصر و جایگاه رژیم صهیونیستی در منطقه». فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، شماره ۳، صص ۸۷-۱۱۱.
- نویهض، عجاج (بیتا). پروتکلهای دانشوران صهیون. ترجمه حمیدرضا شیخی. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

- Alison, Malcolm, R. (2001). *The Cancer Handbook*. Second Edition. New York: Nature Publishing group.
- Bank Failures in Mature Economics (April 2004). "Bank for International Settlements". Paper No.13.
- Frei, Holland (2000). *Cancer Medicine*. Fifth Edition. London: B. C. Decker Inc.
- Hayden, Frederick (October 2005). "Transmission of Avian Influenza Viruses to and between Humans". *The Journal of Infectious Diseases*, Volume 192, Issue 8.
- Julian, K. C.; Ma, Pascal M. W. Drake (June 2008). *Genetically modified plants and human health*. J R Soc Med.
- Poliakov, Leon (1997). *Protocols of the Learned Elders of Zion, Roth, Cecil, Encyclopedia Judaica*.
- Sanctions Programs and Country Information, United States Department of the Treasury. 2017-03-09.

(Babylonian Talmud, 24 volumes, Sources Library, Jerusalem, 1967-1972).

A/RES/181(II), United Nations General Assembly, 29 November 1947.

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۸۰۴۰۳

به این مقاله این گونه ارجاع دهید:

ابراهیم‌نیای ترشیز، محمد؛ اسماعیلی‌زاده، عباس؛ رضائی کرمانی‌نسب‌پور، محمدعلی (۱۳۹۷)، «واکاوی مبانی قرآنی نظر امام خمینی درباره غده سرطانی بودن اسرائیل» فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س ۸، ش ۴، زمستان ۹۷، صص ۷۶-۵۱.



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

۷۶

سال هشتم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۷